

گفت‌وگوی «شهرند» با یو یاسا ری بهانه کنسرت مشترکش با پژمان حدادی موسیقی مصر فی مردم سطحی شده است

باده و کشاکش سنت و مدر نیته

لذت خلق در لحظه به همین ندانستگی نتیجه است



رشادنجو
روزنامه‌نگار

سالار رودکی ۱۵ بهمن میزبان کنسرت باده‌نوازی و چونسنگ جو آنتی، با حضور پژمان حدادی و یو یاسا ری است. این دومین همکاری مشترک سراسری و حدادی است. آلبوم این سر سودایی به عنوان اولین همکاری مشترک این دو هنرمند، دو سال پیش و با حضور حدادی و سراسری تولید و عرضه شد. این اثر همان سال به انتشار دوم رسیده و مورد

اول کمی در مورد این سه نگارش بگویم؛ برای آنان که شاید نمی‌دانند. منابع فارسی ما در مورد باده‌نوازی بسیار محدود است. غیر از مطالعی که دکتر آن دورینگ نگاشته‌اند و مقالات بسیار محدود علمی- پژوهشی در این زمینه تقریباً چیز دیگری موجود نیست. دکتر هرمز فرحت، الازوینی و دکتر برنوتن در هم در آثارشان به باده نگاهی تقریباً گذرا با مروری داشته‌اند. مع‌الباقی، افول شفاهی هنرمندان نخبه‌ای مثل استادان پاپور، صبا، پورمند و... است که آن هم عموماً سینه‌به‌سینه انتقال یافته‌است و هیچکس از آن اطلاع ندارند. ما این سه نگارش که بیشتر از دل محاسبه‌ها و گزارش کنسرت‌های هنرمندان معاصر استخراج شده بر این مبنا استوار شده است که مجری در باده‌ها از مایه اجرایی به حدی مطلع است که به دسته اول هنرمندانی مثل استاد علیراده که بنا به قول خودشان، از قبل اگاهانه که به مایه‌ای را خواهند نواخت، دسته دوم، موزیسین‌های مثل استاد مرحوم لطفی بزرگ، بزرگترین موزیسین ایرانی سده معاصر، هستند که بنا به قول خودشان، تا لحظه آخر نمی‌دانند که در چه مایه‌ای باده اجرا خواهند کرد. دسته سوم، جوان‌ترها هستند که با پذیرفتن بازخوردهای بی‌نارنگی و اجتماعی معاصر، ادعا می‌کنند که تنها به‌مختصات اول و آخر باده‌ها خود را از قبل می‌دانند، مابقی اجرا، مدگردها و گم‌گشت‌ها را به نظر ایشان کاملاً در لحظه اتفاق می‌افتد و محصول آن هنرمند است.

اسا باده‌نوازی در موسیقی کلاسیک ایرانی، لاقابل تنها یا این شاخه که بدانیام که در چه مایه‌ای اجرا خواهیم کرد، به تبیین نمی‌شود. سنت و سیر و موتارگی که حداقل از محمدصادق خان خورشید افشار، سده بی‌عالی‌گیر خان ابادخانه و حسن سنتوری و موسیقی‌سبب و حبیب سماعی و پاپور می‌گیری شده است، اصلاً و ذاتاً مغایر مفهوم عرف باده‌نوازی در قلم ما است. نه فقط این و دسته و مکتب و سبب‌الملکی دیگر نتوانیم موسیقی کلاسیک ایران هم با باده‌نوازی به معنای اهل اجود درست در، نه لحظه، بنواز، معیار دارند. دوستان عزیز، صحنه کنسرت پرورش آلبوم رهاورد «آثر باده‌نوازی استاد پاپور، شاپار، اسماعیلی» را ملاحظه کنید. در آن جا استاد پاپور در این زمینه صحنه چندخط کوتاه اما بسیار گویا و حیاتی در این مورد توضیح داده‌اند. قدمای مکتب پایتخت باده‌نوازی، به معنای این که ندانی که چه می‌خواهی بنوازی را اصلاً و ابداً قبول نداشته‌اند. در مورد مکتب اسفهان یا تبریز و قزوین، اوضاع فرق می‌کند. آنگونه که امروزه زبانه‌های باده‌نوازی استاد طلایی کسای و شهینار را باده‌نوازی استاد طلایی متفاوت می‌بینیم. نگارش، جمله‌پردازی، منطق عبور یا استقرار در مایه‌ها، زمان‌بندی‌ها، سبب‌نویته‌ها، استفاده از واخوان‌ها، تعدد و تکثیر هر مایه‌ای پس از مکتب تفاوت دارد. واژه مکتب دو دسته صحنه مطرح کرده دربار نامری، یعنی خداندن فرامی و خاندان و سرسنگ‌ها و پیچ‌آورد امروزی و مقلود ریف، قرار دهیم. این در فرهنگ باده‌نوازی کاملاً مردود است. دکتر زان دورینگ هم دقیقاً همین مطلب را در چند مقاله و سخنرانی‌اش اذعان کرد و باده‌ها موسیقی دستگیرانی از موسیقی ملایرانه‌تر، هنر، ترکیه و عرب، متمایز شده‌اند.

کنسرت پیش‌روی شما و پژمان حدادی با کامیاب از تعاریف باده‌نوازی که در موسیقی ایران حداقل سه تعریف از آن رایج شده‌اند ارتباط دارد و اساساً اهمیت چنین جریانی در بدنه موسیقی ایرانی چیست؟

اول کسی در مورد این سه نگارش بگویم؛ برای آنان که شاید نمی‌دانند. منابع فارسی ما در مورد باده‌نوازی بسیار محدود است. غیر از مطالعی که دکتر آن دورینگ نگاشته‌اند و مقالات بسیار محدود علمی- پژوهشی در این زمینه تقریباً چیز دیگری موجود نیست. دکتر هرمز فرحت، الازوینی و دکتر برنوتن در هم در آثارشان به باده نگاهی تقریباً گذرا با مروری داشته‌اند. مع‌الباقی، افول شفاهی هنرمندان نخبه‌ای مثل استادان پاپور، صبا، پورمند و... است که آن هم عموماً سینه‌به‌سینه انتقال یافته‌است و هیچکس از آن اطلاع ندارند. ما این سه نگارش که بیشتر از دل محاسبه‌ها و گزارش کنسرت‌های هنرمندان معاصر استخراج شده بر این مبنا استوار شده است که مجری در باده‌ها از مایه اجرایی به حدی مطلع است که به دسته اول هنرمندانی مثل استاد علیراده که بنا به قول خودشان، از قبل اگاهانه که به مایه‌ای را خواهند نواخت، دسته دوم، موزیسین‌های مثل استاد مرحوم لطفی بزرگ، بزرگترین موزیسین ایرانی سده معاصر، هستند که بنا به قول خودشان، تا لحظه آخر نمی‌دانند که در چه مایه‌ای باده اجرا خواهند کرد. دسته سوم، جوان‌ترها هستند که با پذیرفتن بازخوردهای بی‌نارنگی و اجتماعی معاصر، ادعا می‌کنند که تنها به‌مختصات اول و آخر باده‌ها خود را از قبل می‌دانند، مابقی اجرا، مدگردها و گم‌گشت‌ها را به نظر ایشان کاملاً در لحظه اتفاق می‌افتد و محصول آن هنرمند است.

اسا باده‌نوازی در موسیقی کلاسیک ایرانی، لاقابل تنها یا این شاخه که بدانیام که در چه مایه‌ای اجرا خواهیم کرد، به تبیین نمی‌شود. سنت و سیر و موتارگی که حداقل از محمدصادق خان خورشید افشار، سده بی‌عالی‌گیر خان ابادخانه و حسن سنتوری و موسیقی‌سبب و حبیب سماعی و پاپور می‌گیری شده است، اصلاً و ذاتاً مغایر مفهوم عرف باده‌نوازی در قلم ما است. نه فقط این و دسته و مکتب و سبب‌الملکی دیگر نتوانیم موسیقی کلاسیک ایران هم با باده‌نوازی به معنای اهل اجود درست در، نه لحظه، بنواز، معیار دارند. دوستان عزیز، صحنه کنسرت پرورش آلبوم رهاورد «آثر باده‌نوازی استاد پاپور، شاپار، اسماعیلی» را ملاحظه کنید. در آن جا استاد پاپور در این زمینه صحنه چندخط کوتاه اما بسیار گویا و حیاتی در این مورد توضیح داده‌اند. قدمای مکتب پایتخت باده‌نوازی، به معنای این که ندانی که چه می‌خواهی بنوازی را اصلاً و ابداً قبول نداشته‌اند. در مورد مکتب اسفهان یا تبریز و قزوین، اوضاع فرق می‌کند. آنگونه که امروزه زبانه‌های باده‌نوازی استاد طلایی کسای و شهینار را باده‌نوازی استاد طلایی متفاوت می‌بینیم. نگارش، جمله‌پردازی، منطق عبور یا استقرار در مایه‌ها، زمان‌بندی‌ها، سبب‌نویته‌ها، استفاده از واخوان‌ها، تعدد و تکثیر هر مایه‌ای پس از مکتب تفاوت دارد. واژه مکتب دو دسته صحنه مطرح کرده دربار نامری، یعنی خداندن فرامی و خاندان و سرسنگ‌ها و پیچ‌آورد امروزی و مقلود ریف، قرار دهیم. این در فرهنگ باده‌نوازی کاملاً مردود است. دکتر زان دورینگ هم دقیقاً همین مطلب را در چند مقاله و سخنرانی‌اش اذعان کرد و باده‌ها موسیقی دستگیرانی از موسیقی ملایرانه‌تر، هنر، ترکیه و عرب، متمایز شده‌اند.

گفت‌وگو با یو یاسا ری بهانه کنسرت مشترکش با پژمان حدادی موسیقی مصر فی مردم سطحی شده است

گفت‌وگو با یو یاسا ری بهانه کنسرت مشترکش با پژمان حدادی موسیقی مصر فی مردم سطحی شده است

گفت‌وگو با یو یاسا ری بهانه کنسرت مشترکش با پژمان حدادی موسیقی مصر فی مردم سطحی شده است

گفت‌وگو با یو یاسا ری بهانه کنسرت مشترکش با پژمان حدادی موسیقی مصر فی مردم سطحی شده است

گفت‌وگو با یو یاسا ری بهانه کنسرت مشترکش با پژمان حدادی موسیقی مصر فی مردم سطحی شده است

گفت‌وگو با یو یاسا ری بهانه کنسرت مشترکش با پژمان حدادی موسیقی مصر فی مردم سطحی شده است

گفت‌وگو با یو یاسا ری بهانه کنسرت مشترکش با پژمان حدادی موسیقی مصر فی مردم سطحی شده است

گفت‌وگو با یو یاسا ری بهانه کنسرت مشترکش با پژمان حدادی موسیقی مصر فی مردم سطحی شده است

گفت‌وگو با یو یاسا ری بهانه کنسرت مشترکش با پژمان حدادی موسیقی مصر فی مردم سطحی شده است